

## چالش ایران و آمریکا برای ورود به گفتگوی استراتژیک

● دکتر کیهان برزگر  
عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و  
تحقیقات و معاون بین الملل مرکز  
مطالعات خاورمیانه



### چکیده

با وجود نیازهای استراتژیک ایران و آمریکا به یکدیگر و فراهم بودن نسبی شرایط گفتگو، چشم‌انداز ورود به گفتگوی مستقیم و استراتژیک همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. این امر به دلیل بالا بودن هزینه‌های سیاسی مربوط به نتیجه‌بخش نبودن گفتگوهای مستقیم در سطح سیاست داخلی و همچنین بی‌اعتمادی دوطرفه به اهداف یکدیگر از ورود به گفتگوهاست. هرگونه گشایش در این زمینه نیازمند اطمینان‌بخشی دوطرفه به تداوم و نتیجه‌بخش بودن گفتگوها در راستای تامین منافع و امنیت ملی دو طرف و به تبع آن کاهش ریسک سیاسی ورود به مذاکرات مستقیم در سطح هیأت حاکمه و تصمیم‌گیر دو طرف است.

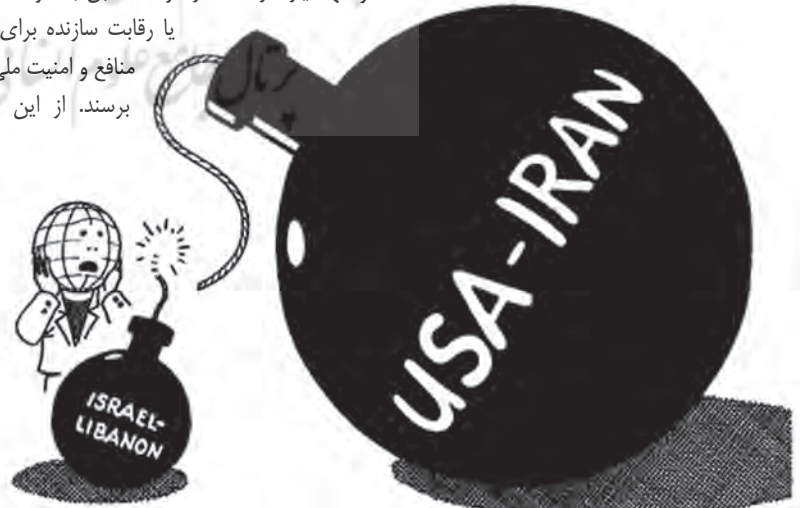
با وجود تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت و نقش جدی دولت اوپاما در اتخاذ تحریم‌های جدید چندجانبه و یک‌جانبه، ظرفیت‌های ورود به گفتگوی مستقیم بین ایران و آمریکا همچنان وجود دارد. در طی ماه‌های اخیر سخن خصمانه دوطرف کم شده و حتی علایم مثبتی نیز نمایان می‌شوند. در آخرین نوع از این علایم، آقای احمدی‌نژاد آمادگی خود را برای گفتگوی مستقیم با اوپاما، البته با ادبیات خاص خود اعلام می‌دارد و در طرف دیگر اوپاما نیز با ادبیات محتاط خود به نوعی خواهان گفتگو با ایران می‌شود. ظرفیت‌های گفتگوی مستقیم در درجه اول به "نیاز متقابل استراتژیک" برمی‌گردد. برای آمریکا، گفتگوی مستقیم به معنای خروج ایران از لیست دشمنان آمریکا در منطقه خاورمیانه است که خود تأثیرات مثبتی بر روند حل و فصل بحران‌های منطقه‌ای همچون اعراب و اسرائیل، عراق و افغانستان خواهد داشت. به خصوص که اوپاما برنامه‌ریزی کرده که نیروهای خود را طی دو مرحله در تابستان امسال و تابستان ۲۰۱۱ از عراق خارج کند و چشم‌انداز بحران افغانستان نیز همچنان تاریک است و طالبان به سرعت در حال بازگشت به قدرت هستند. از لحاظ توازن منطقه‌ای نیز گفتگوی مستقیم با ایران به معنای مدیریت قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران به‌خصوص برنامه هسته‌ای این کشور است که به اصطلاح مهم‌ترین چالش سیاست خارجی اوپاما اعلام شده است. این مساله خود به معنای موفقیت آمریکا در حفظ وضع موجود در منطقه است، هرچند که، همراه با پذیرش نقش منطقه‌ای ایران خواهد بود. چنین نیاز استراتژیکی برای ایران نیز قانع‌کننده است. در درجه اول، خروج آمریکا از لیست

## گفتگوی مستقیم و استراتژیک ایران و آمریکا الزاما به معنای برقراری دوستی میان ایران و آمریکا نیست، بلکه هدایت دوطرف به سوی پذیرش نقش یکدیگر و عادت به زندگی در منطقه‌ای است که هر دو طرف دارای منافع حیاتی در آن هستند

دشمنان فوری ایران، انرژی سیاسی - امنیتی ایران را رها و صرف مسایل توسعه و اقتصاد می‌کند. همچنین ایران می‌تواند غنی‌سازی اورانیوم را در خاک خود با هدف استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای انجام دهد. نهایتا نقش منطقه‌ای خود را در قالب برد-برد و همکاری‌جویانه و در شرایط برقراری توازن امنیت با آمریکا به این کشور بقبولاند. در چنین شرایطی ایران حتی می‌تواند استراتژی‌های مستقل سیاسی - امنیتی خود را از طریق حفظ ائتلاف با احزاب و گروه‌های سیاسی دوست در منطقه تقویت کند.

موارد فوق به‌طور ضمنی به وسیله ایران و آمریکا پذیرفته شده‌اند. اما گفتگوی مستقیم و استراتژیک ایران و آمریکا الزاما به معنای برقراری دوستی میان ایران و آمریکا نیست، بلکه هدایت دوطرف به سوی پذیرش نقش یکدیگر و عادت به زندگی در منطقه‌ای است که هر دو طرف دارای منافع حیاتی در آن هستند. در اینجا دو طرف به این نتیجه می‌رسند که وجود شرایط تهدید دایم برای آنها هزینه ساز می‌باشد و آنها نیاز دارند که از مرحله تقابل به مرحله تعامل یا رقابت سازنده برای حفظ

منافع و امنیت ملی خود برسند. از این لحاظ،



نویسنده آمریکایی:

اسناد ویکی‌لیکس برای بهره‌برداری آمریکا و اسرائیل منتشر شد

خبرگزاری فارس: نویسنده و محقق آمریکایی طی گزارشی با ارایه شواهدی تأکید می‌کند که افشای ویکی‌لیکس در واقع با هدایت دولت آمریکا و برای بهره‌برداری‌های سیاسی ایالات متحده و اسرائیل انجام شده است.

به گزارش فارس، افشای اسناد طبقه‌بندی شده ارتش آمریکا توسط پایگاه اینترنتی "ویکی‌لیکس" انعکاس گسترده‌ای در رسانه‌های جهان داشت و دیدگاه‌های مختلفی نیز در رابطه با آن مطرح شد.

در همین رابطه "ویلیام انگدال" محقق و نویسنده کتاب "وال استریت و مرگ قرن آمریکایی" با ارایه شواهدی، انتشار اسناد محرمانه ارتش آمریکا در رابطه با عراق و افغانستان را نوعی مانور برای انحراف افکار عمومی می‌داند.

وی در گزارشی که پایگاه خبری - تحلیلی "ولترنت" آن را منتشر کرده است، می‌نویسد: از زمانی که یک نوار ویدیویی ارتش آمریکا به‌طور تاسف‌برانگیزی منتشر شد و نشان داد که یک تیم هوایی آمریکایی به خبرنگاران غیر مسلح در عراق تیراندازی می‌کنند، پایگاه اینترنتی ویکی‌لیکس توجهات جهانیان را به خود جلب کرد و با کسب اعتبار به عنوان پایگاهی که اسناد حساس را از منابع درون دولت کسب کرده و در معرض عموم می‌گذارد، مطرح شد.

این گزارش می‌افزاید: آخرین "کودتای" آن‌ها شامل ادعای افشای هزاران صفحه از اسناد ظاهرا حساسی بود که از طریق خبرنگاران ایالات متحده در درون طالبان افغانستان و ارتباطات آن‌ها با افراد ارشد مرتبط با اطلاعات ارتش پاکستان جمع‌آوری شده بود.

این مدارک که به نظر می‌رسد فاصله زیادی با یک افشای صادقانه داشته باشند، در حقیقت اطلاعات اشتباه حساب‌شده‌ای هستند که برای بهره‌برداری آمریکا و شاید سازمان‌های اطلاعاتی اسرائیل و هند آماده شدند. این اسناد همچنین پوششی بر نقش آمریکا و غرب در قاچاق مواد مخدر از افغانستان هستند.

انگدال ادامه می‌دهد: از زمانی که اسناد افغانستان منتشر شد، دولت اوپاما نیز با بیان این مطلب که افشای دوباره اسنادی از این دست، تهدید برای امنیت ملی آمریکا است، به این اسناد اعتبار و ارزش بخشیدند.

این در حالی است که جزئیات اسناد منتشر شده، مسئله چندان حساسی را فاش نمی‌کند. این گزارش حاکیست، یکی از شخصیت‌هایی که در این اسناد آشکارا از وی نام برده شده است، "حمید گل" ژنرال بازنشسته و رئیس سابق سازمان اطلاعات نظامی پاکستان (ISI) است. مردی که طی دهه ۱۹۸۰ جنگ چریکی

مجاهدین افغانستان علیه رژیم شوروی سابق را که از سوی سازمان سیا حمایت مالی می‌شد، هماهنگ می‌کرد.

این در حالی است که در آخرین اسناد فاش شده از سوی ویکی‌لیکس، گل متهم به دیدارهای منظم با سران القاعده و طالبان و انجام حملات هماهنگ علیه نیروهای ناتو حاضر در افغانستان شده است.

این اسناد همچنین ادعا می‌کنند که اسامه بن‌لادن، کسی که بی‌نظیر بوتو در بی‌بی‌سی اعلام کرد که وی سه سال پیش کشته شد، همچنان زنده است.

انگدال تصریح می‌کند: افشای چنین اسنادی، به همین سادگی افسانه بن‌لادن را برای "جنگ دولت اوپاما علیه تروریسم" زنده نگه داشت. آن هم در مقطعی که بیشتر آمریکایی‌ها دلیل اصلی حمله دولت بوش به افغانستان را که در حقیقت تعقیب و دستگیری بن‌لادن به دلیل انجام حملات ۱۱ سپتامبر بود، فراموش کرده بودند.

بر اساس این گزارش، نام بردن از گل به عنوان یک رابط کلیدی طالبان افغانستان، بخشی از الگوی بزرگتری از تلاش‌های اخیر آمریکا و انگلیس به منظور تخریب دولت کنونی پاکستان و معرفی آن به عنوان بخش کلیدی مشکلات افغانستان را شکل می‌دهد.

از سوی دیگر، چنین اقدام و تخریبی، به‌طور گسترده‌ای موضع اخیر متحد نظامی آمریکا یعنی هند را بهبود می‌بخشد. به علاوه آنکه پاکستان تنها کشور اسلامی است که به سلاح اتمی دست یافته است. وارث رژیم صهیونیستی و سازمان جاسوسی این رژیم، موساد، علاقه زیادی دارند تا این حقیقت را تغییر دهند. به همین خاطر، یک جنگ تبلیغاتی دروغین علیه گل به عنوان سیاستمداری رک و افشاگر توسط ویکی‌لیکس می‌تواند بخشی از تلاش‌های ژئوپولیتیکی بیان شده باشد.

روزنامه "فایننشیل تایمز" چاپ لندن نیز در این باره نوشته است که نام گل در حدود ۱۰ پرونده از ۱۸۰ پرونده طبقه‌بندی شده ایالات متحده آمریکا که ادعا می‌کنند سرویس اطلاعاتی پاکستان از شبه‌نظامیان افغانی که علیه نیروهای ناتو می‌جنگند حمایت می‌کند، آمده است.

گل در گفت‌وگو با فایننشیل تایمز گفته است که آمریکا در جنگ افغانستان شکست خورده است و افشای چنین اسنادی به دولت اوپاما کمک می‌کند تا تقصیر را به گردن پاکستان بیندازد.

گل در این گفت‌وگو اظهار داشت: آمریکایی‌ها نمی‌توانند تصور کنند که افغان‌ها می‌توانند جنگ را به نفع خود به پایان برسانند. به هر حال این برای آمریکا بسیار شرم‌آور است که یک ژنرال ۷۴ ساله که در دوران بازنشستگی خود به سر می‌برد و زمانی در جهت‌دهی مجاهدین افغانستان نقش داشته، موجب شکست ایالات متحده شود.

## علی‌رغم وجود نیازهای استراتژیک و فراهم بودن شرایط، عدم وجود «اهداف صادقانه» یا تصور آن در برداشت‌های دوطرف مانع اصلی در ورود ایران و آمریکا به گفتگوهای استراتژیک بوده است

گفتگوی مستقیم آمریکا و چین در دوران نیکسون در ۱۹۷۲ منجر به دوستی آمریکا و چین نشد.

از سوی دیگر، "شرایط" و زمینه‌های گفتگوی مستقیم نیز برای دو طرف فراهم است. معمولاً گفتگوی استراتژیک در شرایطی اتفاق می‌افتد که: ۱ -

بازیگران درگیر قادر به حذف یکدیگر در مسایل مهم منطقه‌ای نیستند. ۲ - بازیگران دارای استراتژی‌های مستقل سیاست خارجی و امنیت ملی هستند که به آنها در شکل‌دهی ائتلاف‌های رقیب کمک می‌کند. ۳ -

نوعی "برابری سیاسی" در سطح مذاکرات بین دو بازیگر در حل و فصل یک یا چند مساله استراتژیک به وجود می‌آید. ۴ - اجماع نسبی سیاسی در نزد نخبگان حاکم بر سر یک موضوع مهم ملی و استراتژیک برای ورود به گفتگوهای مستقیم به وجود می‌آید. ۵ - دوطرف از مرحله تقابل به مرحله تعامل سازنده و رقابتی می‌رسند و در تلاش برای یک بازی برد-برد با هدف کسب رضایت نسبی هستند. موارد فوق در مورد روابط ایران و آمریکا صادق است.

در همین راستا برای درک بهتر موضوع، موارد پنجگانه‌ای را که در بالا آمد، می‌توان اینگونه در چهارچوبی عملیاتی برشمرد؛

**نخست**، ایران و به ویژه آمریکا نمی‌توانند نقش یکدیگر را در بحران‌های عراق، افغانستان، لبنان و فلسطین حذف کنند.

**دوم**، آنها دارای استراتژی‌های مستقل امنیت ملی در خلیج فارس و خاورمیانه هستند و توان ائتلاف‌سازی‌های سیاسی - امنیتی وایدئولوژیک رقیب یکدیگر را دارند. ایران در مورد رهبری گروه‌های مقاومت حزب‌الله، حماس، گروه‌های شیعی در عراق و روابط دوستانه با سوریه و آمریکا در مورد رهبری بلوک اعراب محافظه کار و اسرائیل اشغالگر.

**سوم**، موضوع هسته‌ای ایران نوعی "برابری سیاسی" در مذاکرات بین دو کشور به وجود آورده است. روند و تداوم مذاکرات از زمان آغاز بحران در سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۲ و اصرار دوطرف بر تداوم آن از طریق ارائه بسته‌ها و پیشنهادات مختلف نمایانگر این امر است.

**چهارم**، برنامه هسته‌ای ایران به عنوان یک موضوع استراتژیک و ملی نوعی اجماع نسبی سیاسی در نزد نخبگان حاکم دو کشور در مورد ضرورت ورود به گفتگوهای مستقیم بوجود آورده است.

**پنجم**، حساسیت و ماهیت برنامه هسته‌ای ایران به ناچار دوطرف را به سوی تعامل و بازی برد-برد هدایت می‌کند. آمریکا و ایران باید انتخاب کنند که یا تعامل کنند یا وارد جنگ شوند. شواهد نشان می‌دهند که دوطرف بیشتر خواهان تعامل هستند تا جنگ، منتهی با روش‌ها و تاکتیک‌های خاص خود. آمریکا تحریم‌های جدید را برای فشار بر ایران و مذاکره از بالا دست می‌خواهد و ایران نیز بر سیاست محکم هسته‌ای خود برای مذاکره با دست بالا تاکید دارد.

اما علی‌رغم وجود نیازهای استراتژیک و فراهم بودن شرایط، عدم وجود "اهداف صادقانه" یا تصور آن در برداشت‌های دوطرف مانع اصلی در ورود ایران و



این گزارش با بیان آنکه اسناد ویکی لیکس در مورد افغانستان روی گل ۷۴ ساله متمرکز شده‌اند می‌نویسد: گل به صراحت در مورد نقش ارتش آمریکا در قاچاق هروئین از افغانستان از طریق پایگاه فوق امنیتی ماناس قرقیزستان سخن گفته است.

گل همچنین در ۲۶ سپتامبر سال ۲۰۰۱ یعنی تنها دو هفته پس از حملات ۱۱ سپتامبر طی مصاحبه با نشریه "یونایتد پرس اینترنشنال" در پاسخ به سؤالی در مورد عامل حمله ۱۱ سپتامبر گفت: موساد و هندستان آن عامل این حملات بودند. ایالات متحده ۴۰ میلیارد دلار در سال برای اژانس‌های اطلاعاتی خود هزینه می‌کند. یعنی طی ۱۰ سال، ۴۰۰ میلیارد دلار هزینه می‌شود. این در حالی است که دولت بوش می‌گوید حملات ۱۱ سپتامبر به‌طور غافلگیرانه‌ای انجام شده‌اند.

گل افزود: من این ادعا را باور نمی‌کنم؛ در عرض ۱۰ دقیقه پس از آنکه دومین برج مرکز تجارت جهانی مورد اصابت قرار گرفت، سی‌ان‌ان گفت که اسامه بن‌لادن این حملات را انجام داده است. بنابراین حملات ۱۱ سپتامبر بخشی از یک برنامه پخش اطلاعات اشتباه بود.

گزارش ولترنت ادامه می‌دهد: واضح است که گل چندان در واشنگتن محبوب نیست. وی ادعا کرده که درخواست‌های مکرر بوش برای صدور ویزا به منظور سفر به آمریکا و انگلیس رد شده است.

گزارش انگدال با اشاره به هویت مشکوک بنیانگذار ویکی لیکس می‌نویسد: "جولین اسنچ" که خود را "سردبیر" ویکی لیکس می‌خواند، یک جوان ۲۹ ساله اسرارآمیز استرالیایی است که در دنیای مطبوعات چندان شناخته شده نیست، اما وی ناگهان تبدیل به یک شخصیت عمومی شد که به افشاگری در مورد کاخ سفید پرداخت.

اسنچ در پی افشاگری‌های اخیرش به روزنامه "اشپیل" گفت که اسناد منتشر شده، نه تنها می‌تواند دیدگاه ما در مورد جنگ افغانستان را تغییر دهد بلکه می‌تواند چشم‌انداز تمام جنگ‌های مدرن را نیز با تغییر روبرو کند.

این گزارش می‌افزاید: ویکی لیکس در سال ۲۰۰۶ توسط اسنچ بنیان شد. شخصی که محل زندگی مشخصی ندارد و به ادعای خودش طی روزهای اخیر در فرودگاه‌ها زندگی می‌کند.

انگدال با یادآوری مواضع اسنچ در رابطه با حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ می‌نویسد: وی ۱۹ جولای در مصاحبه با "بلفاست تلگراف" گفت: هر زمان افراد با قدرتی در خفا به سر می‌برند، در حال اجرای یک توطئه هستند. بنابراین توطئه در همه جا هست. همچنین تئوری‌های دیوانه‌وار توطئه نیز وجود دارند.

اسنچ افزود: این مهم است که در مورد ۱۱ سپتامبر این دو مقوله را با هم اشتباه نگیریم.

## برای خروج از این وضعیت، دو طرف باید بر اهرم‌های پایین آوردن ریسک هزینه‌های تصمیم‌گیری سیاسی برای ورود به مذاکرات کار کنند و از تصور وجود تهدید و باخت در مذاکرات مستقیم خارج شوند

به دلیل خطر به اصطلاح انحراف به تسلیحاتی شدن نمی‌پذیرد و استدلال می‌کند که هدف ایران از ورود به گفتگوی مستقیم تنها خرید زمان است.

برای خروج از این وضعیت، دو طرف باید بر اهرم‌های پایین آوردن ریسک هزینه‌های تصمیم‌گیری سیاسی برای ورود به مذاکرات کار کنند و از تصور وجود تهدید و باخت در مذاکرات مستقیم خارج شوند. مذاکرات آتی هسته‌ای بین ایران و گروه ۵+۱ در سال جاری، می‌تواند شروع خوبی باشد. ایران به هرحال با کارت «غنی‌سازی مستقل اورانیوم» دست بالا را در مذاکرات هسته‌ای دارد و لذا نباید نگران از باخت احتمالی در مذاکرات باشد. ایران می‌تواند اطمینان لازم را لحاظ جدی بودن در تداوم مذاکرات و تمرکز بر بخش بودن مذاکرات مستقیم به آمریکا بدهد. این امر نیازمند حمایت تمامی گروه‌های سیاسی داخلی از روند ورود به گفتگوهای استراتژیک با محوریت برنامه هسته‌ای و در سطح عالی دولت‌ها و بر مبنای دیپلماسی باز است.

اوباما نیز باید ریسک سیاسی ورود به گفتگوی مستقیم با ایران را بپذیرد. این کار در درجه نخست نیازمند اقعاع گروه‌های داخلی آمریکا و تغییر در نوع نگرش آنها نسبت به برنامه هسته‌ای ایران است. از این لحاظ، تفکیک بین مساله انرژی هسته‌ای و مساله تسلیحاتی و بازدارندگی در برنامه هسته‌ای ایران و خروج از تصور تهدید هسته‌ای ایران نقش مهمی دارد. از این طریق اوباما می‌تواند اعتمادسازی لازم را در نزد کنگره و افکار عمومی آمریکا به‌وجود آورد.

در نهایت، هرچند مسایل ایران و آمریکا در یک گفتگوی مستقیم احتمالی طیف وسیعی از موضوعات سیاسی - ایدئولوژیک و مسایل امنیت منطقه‌ای را شامل می‌شود، اما تنها برنامه هسته‌ای ایران است که ظرفیت‌های لازم برای ورود به این گفتگوها را فراهم می‌کند. اما حرکت اولیه برای ورود به چنین گفتگویی نیازمند اطمینان خاطر به وجود اهداف صادقانه از ورود به گفتگوی مستقیم در نزد هیات حاکمه دو کشور است. ■

آمریکا به گفتگوهای استراتژیک بوده است. این مساله به خصوص در رفتار و عملکرد آمریکا مشهود است. علی‌رغم تلاش اوباما برای ارائه چهره مثبت‌تری از رفتار و عملکرد آمریکا نسبت به ایران، دوگانگی دولت وی در اعمال سیاست‌های تحریم یا تعامل، شک و تردید ایران را نسبت به وجود اهداف صادقانه آمریکا از ورود به گفتگوی مستقیم افزایش داده است.

اوباما هم‌زمان صحبت از گفتگوهای مستقیم و فشار از طریق تحریم‌های جدید می‌کند و این مساله با شرایط ورود به گفتگوی مستقیم در تضاد است. یا حمایت آمریکا از مخالفین نظام جمهوری اسلامی ایران که خود برحالت شک و تردید نسبت به اهداف صادقانه آمریکا می‌افزاید. نتیجه آنکه ایران برای دفاع از خود به سیاست‌های مقابله به مثل روی می‌آورد و این مساله خود دور باطل حس عدم وجود اهداف صادقانه و تهدید متقابل را افزایش می‌دهد.

وجود اهداف صادقانه از مهم‌ترین شرایط برای ورود به گفتگوهای مستقیم و استراتژیک است. این مساله در مورد روابط ایران و آمریکا بیش از هر چیز به عدم اعتماد و شناخت دوطرف از سیستم تصمیم‌گیری در هیات حاکمه دو کشور برمی‌گردد. برای ایران روشن نیست که آیا اوباما واقعا قصد تغییر سیاست نسبت به ایران را دارد یا خیر؟ برای همین نخبگان حاکم در ایران دائما تاکید می‌کنند که آمریکا نمی‌خواهد و نمی‌تواند تصمیم جدی بگیرد و هدفش از ورود به گفتگوی مستقیم تنها تضعیف نقش نظام اسلامی از درون و در دنیای خارج عمدتا تحت تاثیر لابی اسرائیلی - صهیونیستی است.

در طرف آمریکایی نیز همین ابهام از مقاصد صادقانه ایران وجود دارد، به طوری که آمریکا نگران از به ثمر نرسیدن مذاکرات مستقیم است. یک نمونه سرباز زدن ایران از تداوم مذاکرات برسر تبادل اورانیوم در مذاکرات ژنو و وین در اکتبر ۲۰۰۹ است. این مساله از لحاظ مسایل قدرت داخلی آمریکا برای هر رئیس جمهوری یک امتیاز منفی به حساب می‌آید. به هرحال آمریکا خاطره تلخ "ایران کنترا" و تلاش ناموفق برای مذاکره مستقیم با ایران را فراموش نکرده است. یا اخیرا نامه‌نگاری‌های دوطرف با محتوی و آدرس غلط به نتیجه ملموسی منجر نشده است.

همچنین قصد صادقانه به ماهیت برنامه هسته‌ای ایران نیز مربوط می‌شود، به طوری که دو طرف به اهداف یکدیگر از ورود به گفتگوی مستقیم اعتماد ندارند. ایران استدلال می‌کند که یک بار به غرب اعتماد کرده و غنی‌سازی را به طور موقت متوقف نموده، اما به نتایج ملموس دست نیافت. آمریکا نیز ریسک پذیرش غنی‌سازی مستقل در خاک ایران را